



شهردار شیراز:
توسعه سرانه‌های تفریحی
در پهنه جنوبی شیراز با تصویب
احداث دومین پارک آبی



یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ / ۲۵ صفر ۱۴۴۸ / ۹ آگوست ۲۰۲۶ ○ سال سی و یکم ○ شماره ۴۵۵۱ ○ بها ۵۰۰۰۰ تومان



منطقه جنوب ایران (فارس/خوزستان/بوشهر/تهگیلویه و بویراحمد/هرمزگان)

عراقچی:

سهم ایران از دریای خزر
اصلا در کنوانسیون وضعیت
حقوقی خزر مطرح نیست



تحلیل این خبر را در ستون «تحلیل خبر» بخوانید



آدرس سایت: www.tolounews.com ○ پست الکترونیک: toloudaily@gmail.com

یادداشت
دوژ

تحلیل خبر

دکتر محمدمهدی جعفری زاده

تقسیم سهم دریای خزر چگونه باشد

در زمان شوروی سابق، سهم این کشور و ایران از دریای خزر ۵۰٪ - ۵۰٪ بود. اتحاد جماهیر شوروی در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ (۵ / ۱۰ / ۱۳۷۰) پس از فروپاشی به ۱۵ کشور تقسیم شد که عبارتند از: روسیه، اوکراین، بلاروس، استونی، لتونی، لیتوانی، گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و مولداوی. از میان این کشورها، ۵ کشور روسیه، ایران، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان در حاشیه دریای خزر قرار دارند و هرکدام باید عادلانه از این دریا بهره‌مند شوند. روسیه نمی‌تواند بخش ۵۰ درصدی سابق خود را داشته باشد و یا قسمت کمی از آن را به سه کشور ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان بدهد و انتظار داشته باشد که این سه کشور، بیشتر، از سهم ۵۰ درصدی سابق ایران مالک شوند. چنانچه ملاک، تقسیم مساوی قرار دهیم سهم هر کشور به طور مساوی ۲۰ درصد خواهد بود ولی فرمول‌های دیگری نیز در حقوق بین‌الملل وجود دارد که یکی از آنها تقسیم‌بندی سهم هر کشور براساس میزان ساحل آنها محاسبه می‌شود. اگر این‌گونه باشد با توجه به اینکه قزاقستان ۱۹۰۰، ترکمنستان ۱۷۶۸، روسیه ۱۳۵۵، آذربایجان ۸۲۰ و ایران ۶۵۷ کیلومتر ساحل دارد کمترین سهم به ایران تعلق خواهد گرفت لذا مسئولان ذی‌ربط در مذاکرات آینده باید بر ملاک‌هایی تاکید کنند که سهم ۵۰ درصدی کشور ما، به کمترین میزان نرسد. چرا که شوروی سابق هم با بیشترین ساحل دریایی که داشت و همان موقع هم ساحل ایران، همین مقدار بود، سهم هر دو کشور ۵۰٪ - ۵۰٪ به رسمیت شناخته شده بود. اینک نیز ساحل ایران در خزر نسبت به گذشته تغییری نکرده است لذا باید بر این ملاک و سابقه آن تاکید شود.



معاون وزیر بهداشت:

حمله به لامرد با بمب فسفوری بود

ارائه شواهد علمی به مجامع بین‌الملل



رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان فارس:

فارس برای اولین بار سامانه هوشمند

آبیاری ساخت



احیای باراندازهای حاشیه‌ای شیراز

در مسیر نظم‌بخشی به معابر



فعال سیاسی اصولگرا:

کسی که اصل مذاکره را زیر سؤال می‌برد، الفبای سیاست را هم بلد نیست

دوقطبی‌سازی درباره حجاب ما را از مسائل اصلی دور می‌کند



و حرف‌هایی که ایشان را در موضع ضعف قرار دهد، صددرصد به ضرر کشور و به ضرر امنیت ملی است. حیدرپور تاکید کرد: هرکسی که این کار را انجام دهد، در واقع در خط دشمن و در جهت دشمن است، ولو اینکه ایشان مثلا وزیر دولت پیشین بوده باشد. همه باید توجه داشته باشند که زیر سایه رهبری، تحت فرمایش و تحت امر ایشان و براساس فرمایشات ایشان باید تلاش کنند که این مذاکرات به نتیجه‌ای برسد و ان‌شاءالله شر جنگ از سر کشور برداشته شود.

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره ایجاد دوقطبی در کشور با طرح موضوعاتی همچون حجاب از سوی برخی افراد گفت: یک واکنشی از یکی از نمایندگان مجلس که نماینده استان اصفهان است، در این رابطه دیدم. ما در جامعه زندگی می‌کنیم. در روز که به خیابان می‌روم و بازمی‌گردم، شاید حدود ۲۰۰۰ نفر از بانوان کشور را می‌بینم، امم از دختر بچه، جوان، میانسال و تا کهنسال. در بین این افراد که ما می‌بینیم، شاید چند نفرشان حجاب نداشته باشند که این در جمعیت بین دو الی سه هزار نفر اصلا چیزی نیست. به نظر من، پرداختن به موضوعات فرعی، مانند مسئله‌ای که حالا تحت عنوان حجاب مطرح می‌کنند، درست نیست. حجاب واجب دینی است. ما خودمان معتقد به این هستیم که حجاب واجب شرعی است. قرآن مجید هم به حجاب اشاره دارد.

این فعال سیاسی اصولگرا گفت: حال اگر تعدادی هم به اصطلاح، شل‌حجاب بودند و حجاب درست‌وحسابی نداشتند، به این معنی نیست که کشور ما به سمت بی‌حجابی می‌رود. اتفاقا طبق آن چیزی که ما داریم می‌بینیم، حجاب در کشور خوب است. به نظر ما هیچ مشکلی نیست و پرداختن به این مسائل ما را از اصل مطلب دور می‌کند و من از نمایندگان مجلس و از کسانی که درباره این مسائل صحبت می‌کنند، تقاضا می‌کنم که در جامعه حضور داشته باشند. سطح جامعه را اگر ببینند، سطح جامعه ما خوب است، اصلا هیچ جای نگرانی وجود ندارد. به این موضوعات متفرقه می‌پردازند که به ضرر کشور است و نباید مطرح کرد.

حیدرپور تصریح کرد: یکی از کارهایی که دشمن اکنون انجام می‌دهد، این است که ذهن مسئولان ما را معطوف کند به سمت مسائلی که به ضرر کشور و به ضرر منافع ملی است و این‌گونه سخنان، ذهن مسئولان ما را به سمت انحراف از محورهای اصلی می‌برد که اصطلاحاً در عالم سیاست، دوقطبی کردن افکار و دوقطبی کردن شرایط است؛ که به نفع کشور که نیست، به ضرر همه هم هست.

کارشناسان اقتصادی و اجتماعی بر این باور هستند که برخی آمارهای اعلامی (مثل نرخ بیکاری هفت درصد در طی یکسال اخیر) گویای آنچه بر سر اقتصاد ایران و بازار کار آمده، نیست و باید شاخص‌های جدیدی برای تبیین مشکلات کشور تعریف شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، با انتشار اخباری مبنی بر افزایش نیم میلیون نفر به جمعیت بیکار کشور از ابتدای سال و به دنبال وقوع جنگ، نرخ بیکاری اعلامی از سوی مرکز آمار ایران بیشتر در معرض پرسش‌ها و تردیدهایی مختلف قرار گرفت. اینکه این نرخ هنوز تغییر محسوسی نداشته است، به نظر کارشناسان حوزه اشتغال، ناشی از کاهش نرخ مشارکت اقتصادی (به ویژه در زنان) ارزیابی شده است؛ اما آیا صرفاً با تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی، می‌توان چنین قضاوتی را صورت داد؟

براساس داده‌های مرکز آمار در پایان بهار امسال، ۶۳۰ هزار شغل صنعتی در فصل نخست سال جاری از بین رفته است. همچنین یک عضو ارشد اتاق بازرگانی با بیان اینکه رقم واقعی نرخ بیکاری پنج برابر نرخ رسمی است، توضیح داد «علاوه بر کاهش یک و نیم درصدی بی‌سابقه نرخ مشارکت اقتصادی، نیم میلیون نفر از خالص اشتغال کشور کاهش یافته است. به‌ویژه اینکه نرخ مشارکت اقتصادی زنان نیز از ۱۶ درصد در سال ۱۴۰۳ به ۱۱ درصد در ابتدای سال ۱۴۰۵ کاهش یافته است.» علاوه بر این، اخیراً سهراب دلانگیزان، استاد اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه، طی گفتگویی با ارجاع به مطالعه‌ای در دوره جنگ، کل بیکارشده‌گان مستقیم ناشی از جنگ را بیش از ۴۵۰ هزار نفر ارزیابی کرده که در نوع خود رقم بسیار بالایی است. بنابراین باید گفت، نرخ بیکاری ۷ درصدی اعلامی که مطابق با نرخ بیکاری استاندارد کشورهای توسعه یافته است، به تن اقتصاد ایران زار می‌زند. اما با همه این اوصاف، کارشناسان اقتصادی این آمارها را دروغ نمی‌دانند، بلکه نمود بیرونی آن را ناشی از یک مجموعه کژتابی آماری ارزیابی می‌کنند. برای مثال، ما در دهه ۱۳۵۰ نرخ بیکاری نزدیک به ۱۵ درصد را در رکورد ثبتی خود داشتیم، اما امروز مشخص است که وضع بیکاری از آن زمان هم بدتر است. حتی بعدتر در سال ۱۳۷۹ نرخ بیکاری حدود ۱۴ درصد ثبت شد که حدود دوبرابر نرخ بیکاری فعلی است اما هم نرخ مشارکت اقتصادی و هم میزان بیکاری بسیار کمتر از اکنون حس می‌شد و این موضوع گویای متفاوت شدن شاخص‌ها و تعاریف است و نه بهتر شدن اوضاع!

اشتغال حقیقی و خروج از بازار کار رسمی؛ چالش اصلی بازار کار

مهرداد دارانی (کارشناس روابط کار و تامین اجتماعی و عضو کمیته بیمه‌ای خانه کارگر) در ارتباط با اینکه چرا آمارهای اعلامی نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی گویای واقعیت‌های بازار کار ایران نیستند، در گفتگو با ایلنا توضیح می‌دهد: یکی از چیزهایی که به کمک دولت در نشان دادن پایین نرخ بیکاری آمده است، تعریف سازمان جهانی کار از بیکاری است؛ در گذشته (چند دهه قبل) ایران نیز تعریفی منطقی از نرخ بیکاری داشت؛ اما با تسری تعریف سازمان جهانی کار -که طبق آن بیکار کسی است که دو هفته قبل از سرشماری بیکار بوده و جویای کار باشد- نرخ‌های اعلامی تغییر کردند؛ هر عقل سلیمی متوجه می‌شود که این تعریف از بیکاری، ناهقی و غیرواقعی است. وی افزود: اگر در هفته فردی یک ساعت هم کار کاملاً نامولد، دلالی و خدماتی انجام دهد یا خودرو و کولر همسایه را تعمیر کند، از ذیل تعریف بیکار خارج می‌شود. در تعریف نرخ بیکاری، ما به آمارهای جهانی نیز تکیه نمی‌کنیم. برخی تعاریف جهانی از نرخ بیکاری امروزه بهتر هستند و نسبت به تعریف بیکاری خالص سازمان جهانی کار، بیشتر از گذشته

گویای وضعیت موجود هستند؛ اما به نظر می‌رسد ما به تعاریف جدید و به‌روزرتر نیاز نداریم!

این کارشناس حوزه کار و تامین اجتماعی ادامه داد: شما افراد بسیاری را در جامعه می‌بینید که شغل‌شان هر روزه از مشاغل پایدار، صنعتی و رسمی به مشاغل خدماتی، واسطه‌ای، نامولد و غیررسمی و ناپایدار تغییر می‌یابد؛ اما آمارهای سنجش بازار کار ما هرگز این تغییرات را نمایش نمی‌دهد. فرد از کارخانه به تاکسی اینترنتی می‌رود، از کارگاه تریکوبافی به سمت خرید و فروش رمز ارز حرکت کرده و از کارگر ساختمانی تمام وقت به کارگر پاره‌وقت بابر در بازار که بیشتر اوقات بیکار است، بدل می‌شود؛ اما آمارها هیچ‌کدام از این تغییرات عمده که آثار اقتصادی عظیمی در اکنون و آینده دارند، نشان نمی‌دهد و شما را گمراه می‌کند. این کژتابی آماری نیاز شما را به دادن آمار غلط و کذب رفع می‌کند و شرایط را برای شما عادی جلوه می‌دهد! عضو کمیته بیمه‌ای خانه کارگر تصریح کرد: فردی که درآمزش به یک سوم دوران اشتغال کاملش رسیده، از نظر عقلی با گذشته خود یکسان در نظر گرفته می‌شود. اگر شاخص اشتغالی مانند برخی کشورهای توسعه یافته ایجاد شود که اشتغال کامل را همان کار ۸ ساعته در فضای کار رسمی و غیربازرمنی در نظر بگیرد، آمارها بسیار متفاوت می‌شود. اشتغال واقعی نیز از نظر ما، همان ۸ ساعت کار عادی در روز با قرارداد و حقوق بالای حداقل دستمزد مصوب است.

وی تاکید کرد: ما نیز می‌دانیم که تولید و صنعت در دوره جنگ بسیار آسیب دید. بخش عظیمی از صنایع بالادستی و میان‌دستی ما تعدیل نیرو کردند که این تعدیل نیرو خود را در کاهش آمار تعداد حق بیمه پردازان طی یکسال اخیر نشان می‌دهد. تنها همین آمار توانسته تا حدی از وضعیتی که رقم خورده، رمزگشایی کند. زیرش حدود ۱ میلیون نفر بیمه‌پرداز طی یک سال برای سازمان تامین اجتماعی، نشان می‌دهد که اگر حتی بخشی از این افراد به بازار کار برگشته باشند، شغل آن‌ها به هیچ عنوان یک اشتغال با کیفیت مانند گذشته نیست و احتمالاً اغلب در تاکسی‌های اینترنتی، مشاغل غیررسمی و زیرزمینی و بخش دلالی و واسطه‌ای و خدمات نامولد (و احتمالاً به صورت پاره وقت) فعالیت دارند. با این اوصاف، اینکه گفته می‌شود در طی مدت بعد از جنگ کمتر از ۳۰۰ هزار نفر متقاضی بیمه بیکاری به رسمیت شناخته شده‌اند، نمی‌تواند گویای ابعاد اتفاقی که در عمل رخ داده باشد.

دارانی در ادامه با اشاره به ارزش افزوده پایین بسیاری از مشاغل خدماتی و تجاری و ناپایداری آن‌ها از نظر بیمه‌ای، خاطرنشان کرد: فردی که کار موقت می‌کند و بیمه نمی‌شود، در نهایت در زمان بازنشستگی به جامعه و صندوق‌های بازنشستگی آسیب می‌زند. اینکه نمی‌تواند اقتصاد کشور در بخش خدمات شافل باشد، هیچ مشکلی ندارد، اما وقتی در شرایط رکود و نابودی بسیاری از صنایع، نیروی کار به بخش غیررسمی و ناپایدار «خدمات» هجوم بیاورد، شاهد یک بیماری گسترده در حوزه اشتغال و بازار کار هستیم. این بیماری درحالی‌عود می‌کند که روی کاغذ همه سر کار هستند و مشکلی در یافتن شغل ندارند. آنچه در اینجا آسیب دیده، اشتغال رسمی پایدار صنعتی و کشاورزی است.

این کارشناس حوزه رفاه در پایان، با بیان اینکه این کژتابی آماری در حوزه رفاه، فقر، شاخص‌های توسعه و نرخ مشارکت اقتصادی نیز وجود دارد، بر ضرورت روزآمد کردن شاخص‌ها و تعاریف آماری مانند کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه تاکید کرد و گفت: با گمراهی آماری، راه به جایی نمی‌بریم!